

معضلات می‌باشند که سرانجام منجر به جغرافیای کاربردی می‌گردد. (۲)  
باید هدایت گردد. از این رو در چهارچوب دانش جغرافیا است که  
می‌تواند چنین پدیده‌های دقیقاً مورد پژوهش قرار گیرد.

### روش کار:

در این مقاله کوشش شده است به مبنای تئوریک درباره مفهوم  
روستا یا پیوند آن با دانش جغرافیا و بالاخره به مکانیزم تحول  
نظری اجمالی افکنده شود با این امید که آغازگر بحثی نو باشد.  
جهت جلوگیری از زیاده‌نویسی و اتلاف وقت خواننده و... تا حد  
امکان روش نقل قول و تجزیه و تحلیل منابع به کار گرفته نشده است،  
اما ذکر آنها به ویژه منابع فارسی زبان به میان آمده تا خواننده  
بهتر به منظور مثالها و محتوی کلمات یا جملات پی برد و در صورت  
تأمیل به آنها مراجعه کرده به مقایسه و تبیین بپردازد.

ضرورت چنین مطالعاتی در ایران به خاطر بافت و ساختار  
اجتماعی - اقتصادی کشور است که عمدتاً تا پیش از سالهای ۱۳۴۰  
بر مبنای اقتصاد کشاورزی آن هم متکی بر ساخت سنتی جامعه روستایی  
بود و اکنون نیز سهم به سزایی در تولید و درآمد ملی دارد. باربر  
می‌نویسد: "بخش کشاورزی بزرگترین سهم را در تولید ناخالص ملی  
در تمامی دوره ۱۳۴۹ - ۱۳۲۹ داشته اگرچه مقدار نسبی آن طی  
سالها کاهش یافته است. در ربع اول قرن کشاورزی احتمالاً ۸۰ تا  
۹۰ درصد و از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۹ پنجاه درصد تولید ناخالص  
ملی را تشکیل می‌داده است. این رقم تا سال ۱۳۳۸ به ۳۳ درصد  
و پیش از سال ۱۳۴۷ به ۲۳ درصد کاهش یافت. بعد از این سالها  
درآمد حاصل از فروش نفت مقامی ویژه در تولید ناخالص ملی و  
بودجه کشور به خود اختصاص داد و به تبع آن روند صنعتی شدن  
نیز مد نظر قرار گرفت. عواید نفتی ایران از ۸۱۷ میلیون دلار در  
سال ۱۳۲۷ به ۲/۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ به ۱۹/۶۱ میلیارد  
دلار در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت، به طوری که در سالهای ۱۳۴۷  
درآمد نفت ۷۵ درصد دریافتی ارزی کشور، ۲۰ درصد از تولید  
ناخالص ملی و ۵۰ درصد از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌داد.  
یکچنین دگرگونی اقتصادی در زمینه تولید ناخالص و درآمدها،  
اثرات خود را بر روی جمعیت شاغل در بخشهای سه گانه عمده  
اقتصادی نیز بخشید، به طوری که در سال ۱۳۳۵ حدود ۵۶ درصد  
جمعیت شاغل (ده سال به بالا) در سال ۱۳۴۵ حدود ۴۶ درصد  
و در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۴ درصد در بخش کشاورزی فعالیت داشتند  
و همین بخش در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۹ درصد شاغلین را دربر  
می‌گرفت (نگاه کنید به جدول صفحه ۵).

در زمینه ارزش افزوده بخش کشاورزی در گزارشات بانک مرکزی  
آورده شده است: "در دوره پنجساله ۵۶ - ۵۲ ارزش افزوده بخش  
کشاورزی به طور متوسط رشد سالانه ۵ درصد برخوردار بوده است.  
بعد از انقلاب نیز رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی در همان  
حدود ۵ درصد باقی ماند و سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در



### ضرورت توجه به مطالعات جغرافیای روستایی:

دانش جغرافیا، به‌ویژه شاخه جغرافیای انسانی (و یا فرهنگی)  
بنابر ماهیت علمی (و شاید کلاسیک) خود و تعریف آن، یعنی  
بررسی سطح مملو از حیات کره زمین با توجه به اختلافات عظیم و  
بی‌پایان مکانی، و تبیین علمی آن در رابطه با نیروهای مؤثر در  
حال یا گذشته و پیامدهای حاصل از مناسبات علت و معلولی جوامع  
انسانی با محیط زیست خویش که منجر به پیدایش چشم‌اندازهای  
(فرهنگی) می‌شود، باید به تجزیه و تحلیل و چگونگی روند  
شکل‌گیری و پیوند میان عناصر هر یک از چشم‌اندازها بپردازد (۱).  
در میان چشم‌اندازهای روستایی، به ویژه در نواحی که هنوز  
تکولوژی مدرن در آنها نفوذ نکرده و یا مسلط نگشته‌اند، به خاطر  
ارتباط بلافصل و تنگاتنگ جوامع انسانی با محیط جغرافیایی خویش  
نقش به سزایی در جغرافیای روستایی دارند. شیوه بررسی و نگارش  
نه تنها جریان توصیفی و حتی مطالعه روابط علت و معلولی عناصر  
است بلکه در جهت یافتن راه‌حلهایی که به منظور برطرف نمودن

میزان و درصد جمعیت شاغل در سه بخش عمده اقتصادی کشور در چهار دهه سرشماری عمومی

|      |           |      |           |      |           |           |      |
|------|-----------|------|-----------|------|-----------|-----------|------|
| ۲۰/۱ | ۱۰۱۸۷۰۸۴۳ | ۲۳/۶ | ۱۰۳۹۲۰۱۰۲ | ۵۶/۳ | ۳۰۳۲۵۰۷۲۱ | ۵۰۹۰۷۰۶۶۶ | ۱۳۳۵ |
| ۲۷   | ۱۰۸۸۶۰۹۸۸ | ۲۶/۵ | ۱۰۸۲۸۰۷۷۶ | ۲۶/۵ | ۳۰۳۸۰۰۰۲۳ | ۷۰۱۱۵۰۷۸۷ | ۱۳۳۵ |
| ۳۲/۲ | ۳۰۰۱۲۰۰۰۰ | ۳۱/۷ | ۲۰۷۹۵۰۰۰۰ | ۲۳/۲ | ۲۰۹۲۰۰۰۰۰ | ۸۰۷۹۹۰۰۰۰ | ۱۳۵۵ |
| ۳۳   | ۳۰۶۹۶۰۰۰۰ | ۵۰   | ۵۰۶۰۰۰۰۰۰ | ۱۷   | ۱۰۹۰۲۰۰۰۰ | ۱۱۰۲۰۰۰۰۰ | ۱۳۶۵ |

رجوع کنید به منابع ۶-۷ و ۸.

**الف: تعریف روستا:**

از جمع بندی تعاریفی که از روستا، مزرعه و مکان زراعی در جغرافیا، جامعه شناسی، آمار، اقتصاد و تقسیمات کشوری به طور متعارف به عمل آمده می توان تعریف زیر را ارائه داد:

روستا عمدتاً "یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و کالبدی است، که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز و پیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا مرفعی مستقل تشکیل می شود و اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به یکی از فعالیتهای اصلی زراعی، دامداری، باغداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیتها اشتغال دارند و از آن ارتزاق می نمایند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی مابین اعضا جامعه آن برقرار است و در عرف به عنوان آبادی، دهکده، قریه و یا نهایتاً "روستا یا ده شناخته شود.

از این رو روستا - بنا به ماهیت خویش و تعریف ذکر شده - متناسب با ساختار فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و به ویژه محیط جغرافیایی دارای سازماندهی درونی و کالبدی ویژه ای در زمینه نوع یا شیوه زندگی معنوی و مادی خود می باشد. بالطبع وجود چنین ساختار یا سازماندهی اثرات و پیامدهای خویش را نیز بر چهره زمین، چه در بخش مسکن و چه در بخش مزارع، می بخشد که مورفولوژی زراعی یا چشم انداز فرهنگی سکونتگاه روستایی را تشکیل می دهد. پس پدیده روستا نیز که محل بروز کارکردهای اساسی زندگی انسانی است، می تواند در چهارچوب مطالعات جغرافیایی اجتماعی قرار گیرد. یک روستا می تواند دارای واحدهای زراعی یا سکونتگاههای کوچکتر به عنوان مزارع تابع یا حتی مستقل به شرح زیر باشد:

مزارع تابع: جایگاههایی هستند که بنا به تعریف روستا نبوده ولی جزء محدوده ثبتي و یا مرفعی آبادیهایی دیگر قرار دارند و محل انجام فعالیتهای قبلی بر اقتصاد کشاورزی می باشد. در این صورت از نظر سازماندهی از روستایی که به آن تعلق

تولید ناخالص ملی (به قیمت عوامل) از پنجساله ۵۶-۵۲ به طور متوسط سالانه حدود ۹ درصد بود. حال آن که در دوره پنجساله ۶۱-۵۷ سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی افزایش یافت و به حدود ۱۳ درصد در سال بالغ گردید. این امر عمدتاً "بدان علت بود که سهم ارزش افزوده با بخش نفت در تولید ناخالص ملی در دوره پنجساله بعد از انقلاب به شدت کاهش یافت (تحولات اقتصادی کشور، ص ۳۰).

با وجود چنین دگرگونی در بخشهای اقتصادی کشور، چنانچه درآمد حاصل از نفت را از جریانات اقتصادی کشور به کنار بگذاریم و جمعیت ساکن در روستاهای ایران که حدود ۴۶ درصد را به خود اختصاص می دهند (۱۳۶۵) در نظر بگیریم، اهمیت بخش کشاورزی و آبادیهای روستایی را در زیربنای فعالیتهای اقتصادی کشور بیشتر درمی یابیم. برای مثال طی سالهای ۶۱-۱۳۵۲ همواره صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی قسمت عمده صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل داده است به طوری که طی این دوره به طور متوسط حدود ۸۰ درصد و در دوره ۶۱-۱۳۵۸ متجاوز از ۹۰ درصد کل صادرات غیر نفتی به این کالاها اختصاص داشته است. از سوی دیگر افزایش تعداد آبادیها و مکانهای روستایی از حدود پانزده هزار در سالهای ۱۳۰۰ به حدود ۲۵ هزار در سال ۱۳۶۵ و همچنین گرایش سریع به روستا گریزی و هجوم به شهرها به ویژه پس از سالهای ۱۳۵۷ همگی نمایگر اهمیت پژوهش صمیق در زمینه ساختار و دگرگونیهای به وجود آمده در روستاهای ما می باشد. از این رو جغرافیای روستایی و کشاورزی - با توجه به مندلوژی خود - وظیفه دارد در این راستا ماهیت علمی و کاربردی خویش را بیش از پیش نشان داده، رهنمون ما باشد.

در آغاز به جهت حصول به مقصد تحول در جهت مطلوب بایستی روستا را از دو بعد زیر مورد توجه قرار دهیم:

الف: تعریف روستا.

ب: مطالعات روستایی در رابطه با تحول اساسی روستا و دریافت مکانیزم تحول زایی.

دارد تبعیت می‌نماید .

مزارع مستقل: جایگاههایی هستند که بنا به تعریف روستا نبوده و خارج از محدوده سنتی و یا عرفی آبادیهای دیگر قرار دارد و محل انجام فعالیت‌های متکی به اقتصاد کشاورزی می‌باشد<sup>۳</sup>.

بالطبع ارزشیابی و تفکیک اینگونه مکانها از یکدیگر نمی‌تواند تنها تعداد جمعیت باشد. پیدایش و شکل‌گیری یک چنین سکونتگاه‌های (یا حتی مزارع) کوچکی می‌تواند در رابطه با عوامل گوناگون همچون جدائی جمعیت، قومیت، مذهب، "نژاد"، شیوه تولید و... از سایر روستاهای اطراف خود و با برآثر یکجانشین شدن بعضی از گروه‌های اجتماعی و عشایر کوچرو و یا جدا شدن گروهی از روستای مادر (در ایران به ویژه پس از اصلاحات ارضی) و... باشد. احتمالاً این پدیده و شکل‌گیری بعضی شهرهای شرق اسلامی در زمینه ایجاد و صور محلات نقشی بر عهده داشته است. از این رو به روستا یا روشها یا دیدگاه‌های مختلف می‌توان نظر کرد و جغرافیای روستائی پیوند و مناسبات این دیدگاهها و شناخت عناصری آنها را در کلیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد:

### روش یا دیدگاه اکولوژیک:

- میکروکلیما
- منابع آب
- پیکرشناسی زمین
- نوع و بافت خاک
- پوشش گیاهی
- حیات جانوری
- و...

### روش یا دیدگاه کارکردی:

- ساختار اجتماعی - اقتصادی
- اشکال مختلف مالکیت و شیوه‌های تولیدی
- ساخت جمعیت و نظام سلسله مراتبی اجتماعی
- سازماندهی نظام آبیاری
- انواع کشت و تحولات به وجود آمده در آن
- و...

### روش یا دیدگاه کالبدی:

- بررسی بافت سکونتگاه روستائی
- مطالعه شکل مساکن
- اشکال مختلف مزارع
- و...

## دیدگاه مرکزیت یا بررسی مناسبات برونی روستا:

- مناسبات با جامعه کوچرو و نیمه کوچرو
- مناسبات روستا با دیگر روستاها
- چگونگی نظام سلسله مراتبی مابین سکونتگاه‌های روستائی
- مناسبات روستا با شهر (ها)
- روابط روستا با واحه (های) صنعتی
- و...

با در نظر گرفتن ملاحظات فوق، روستا به منزله یک واحد یا هستی و یا پدیده کل در نظر گرفته می‌شود که شناخت ساختار کالبدی و شکل‌بندی ساختمانی، مطالعه ساختار و وضع کارکردی فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی آن و نیز نیروهای شکل‌دهنده ساختار روستا با جامع بینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این روابط متقابل بین روستا و محیط طبیعی آن از یکسو و از سوی دیگر انواع معیشت پیرامون آن (اعم از کوچ‌نشینی، روستا‌نشینی، شهرنشینی و صنایع) مورد پژوهش واقع می‌شود. بنابراین با دید جامع بینانه جغرافیا هرگونه دگرگونی در یکی از پدیده‌های فوقی خواه ناخواه سبب تغییراتی در جامعه روستائی و نهایتاً چشم‌انداز فرهنگی آن می‌شود.

از این رو شناخت ویژگیهای روستا با توجه به دیدگاه‌های متعارف علمی در سه بعد می‌تواند انجام گیرد:

- گذشته نگری روستا یعنی بررسی گذشته و مبنا و مراحل شکل‌گیری آن.

- آکدن نگری یا مطالعه وضع موجود روستا.

- آینده نگری به مفهوم چگونگی روند دگرگونی آن در آینده، که در نهایت امر برنامه‌ریزی درجهت تحول مطلوب یا رشد و توسعه منطقی آن را مطرح می‌سازد.

چنین طرز برخوردی با روستا دارای مراحل و روشهای متعارف خاص خود را از قبیل مشاهده، تصویربرداری، نقشه‌کشی، اندازه‌گیری، پرسشگری و استفاده از پرسشنامه‌ها برای دریافت اطلاعات مورد نظر و انطباق داده‌های به دست آمده با ثنوربها و نظریات علمی ارائه شده به منظور هرچه بیشتر بارورتر نمودن علم است. به کارگیری چنین روش علمی و سیستماتیک درباره مطالعه روستاهای ایران در چهارچوب دانش جغرافیا بندرت دیده می‌شود. آنچه نیز تاکنون انجام پذیرفته که دارای یک محتوی علمی است عمدتاً توسط پژوهشگران غیر ایرانی است که اکثراً ترجمه نشده‌اند. از این رو مشخص است که به منظور جهت دادن به تحول در روستا که منتهی به رشد و توسعه<sup>۴</sup> کمال مطلوب شود در مرحله اول مطالعات علمی ضرورت کامل دارد، در غیر این صورت با مشکلات پیچیده و زنجیرهای روبه‌رو خواهیم بود.

## ب - مطالعات روستائی در رابطه با تحول اساسی روستا و دریافت مکانیزم تحول زائی

مشاهده و ملاحظه مصائب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روانی که روستاهای ما را در چند دهه اخیر دستخوش آن شده‌اند و شهرها با رشد سریع و ناموزون خود بدین روند ناپسندناک بیشتر دامن زده‌اند، موجب پیدایش دیدگاه تحول "به سوی کمال مطلوب" روستاها شده است. روستاهای ما در قرن حاضر در اغلب موارد در معرض عمیق‌ترین زیروروشدگیها، در هم ریختن‌ها و تبدیل و تغییرها در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و کالبدی قرار گرفته‌اند. در هر حال روستائیان نتوانسته‌اند (و شاید نگذاشته‌اند که بتوانند) همگام با تحولات جدید حرکت کنند و نیروهای خارج از محدوده روستا نیز (اعم از خصوصی، دولتی، ملی و یا بین‌المللی) در جهت از کار انداختن عمدی یا سهوی مکانیزم‌های آنها اقدام کرده‌اند. تصویب وضع موجود و مقایسه آن با وضع و کارکرد گذشته روستاها در مواجهه با مسائل برون و درونی به ما می‌آموزد که:

۱- روستاهای ما آنچنان که بایسته و شایسته آنهاست حرکت پویا و درون جوش در برخورد با جریان‌های خارج از روستا را نداشته و ندارند، چرا؟ و چه باید کرد؟

۲- روستاهای ما آنچنان که باید و می‌توانند از منابع طبیعی و انسانی خود استفاده معقول به عمل می‌آورند، چرا و چه باید کرد؟

۳- نیروهای مولد روستاهای ما چون در درون روستا درست عمل نمی‌کنند بالطبع یا هز می‌روند و یا مهاجرت می‌کنند و عمدتاً به شهرها می‌گریزند، چرا؟ و چه باید کرد؟

۴- سازمانهای درون‌زای روستاهای ما در موارد بسیاری منجمده

۵- با وجود مسائل خارج از روستا هم نتوانسته‌اند به هم مکانیزم‌های درونی آنها برای پاسخگویی به مقتضیات زمان کارآیی درستی ندارند، چرا؟ و چه باید کرد؟

۶- از این رو جامعه و روستاهای ما نیازمند یک دگرگونی بنیادی بر اصول و مبانی روشهای علمی و منطبق با شرایط خاص فرهنگی - اقتصادی و جغرافیایی کشور می‌باشد. برای دریافت بهترین راهها به سوی تحول در جهت کمال مطلوب، شناخت و چگونگی مکانیزم تحول باید تعریف شود<sup>۵</sup>. از این رو به موضوع تحول از دیدگاههای مختلف و هماهنگ با کارها می‌پردازیم:

آنچه مهم می‌نماید این است که:

۱- آیا تحول در یک جامعه (یا پدیده) باید از درون خود آن شروع گردد<sup>۶</sup>. بدین معنی که نیروها و عناصر تشکیل‌دهنده آن خود متحول گردند و جامعه را با الگوهای مطلوب هماهنگ خود سازند؟

۲- یا اینکه عوامل خارجی سبب دگرگونی و تحول یکپارچه جامعه شوند؟

۳- و یا عوامل خارجی نقش یک واسطه (کانالیزاتور) را دارند؟

یعنی آنها نیروهای تحول‌زایی و درونی را به حرکت درآوردند تا اینها به نوبه خود بتوانند همواره دگرگونی لازم جهت پیشرفت خود اعضا جامعه را دنبال کنند؟

چنانچه این بحث از چهارچوب موضوع مقاله خارج و به گونه عمومی تعمیم داده شود، متوجه می‌شویم که موضوع عنوان شده چندان مطلب جدیدی نیست. چرا که اینگونه اندیشه‌ها در برخورد با مسائل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و حتی عقیدتی در میان بسیاری از فلاسفه، جامعه‌شناسان، جغرافیدانان، اقتصاددانان و... در طول تاریخ به ویژه از سده شانزدهم میلادی به بعد وجود داشته است<sup>۷</sup>.

در دانش جغرافیا، مکتب آلمان قرن نوزدهم انسان و یا به بیان دیگر جامعه انسانی و دگرگونی آن را تابع شرایط و قوانین طبیعت می‌داند. قبل از آن سیاستمدارانی چون منتسکیو و فیلسوفانی چون کانت در مورد نقش قاطع طبیعت بر انسان مطالبی اظهار داشته‌اند. براساس این مکتب "جبر جغرافیایی و یا طبیعی" جوامع انسانی فعالیت خود را بر مبنای پدیده‌ها یا عوامل طبیعی قرار می‌دهند و هرگونه دگرگونی در این عوامل و پیوند مابین عناصر آنها سبب تغییر شکل و بالاخره تحول در شیوه زندگی انسانها می‌شود. هردر می‌گوید: "کره زمین خانه تربیت انسان است...".

اینچنین شیوه نگرشی حتی در مباحث سیاسی و شکل‌گیری قدرتهای سیاسی کشورها قابل بررسی است.

از دیدگاه اقتصاد در این زمینه به اصول و عقاید فیزیوکراتها، که مؤسس آن فرانسوا کنه نام دارد، برمی‌خوریم. زیربنای این شیوه تفکر اصل بازگشت به یک عقیده قدیمی بود مبنی بر اینکه منشاء کلیه ثروتها زمین است. بدون غذا و الیاف و چوب بشر حتی نمی‌تواند زندگی کند. این عقیده در سده هجدهم میلادی به پنج آوری ثروت بپردازد و در آن دگرگونی و تحول به وجود آورد. به همین علت فیزیوکراتها (طبیعیون) به این نتیجه رسیدند که تنها تولیدکننده حقیقی کشاورز است. صاحبان صنایع و بازرگانان و پیشه‌وران همگی غیر مولداند. مالکین اراضی که اداره بهره‌برداری از زمین و تعیین و ترتیب استفاده از اراضی به عهده آنها است، طبقه‌ای است که مسئول توزیع آن می‌باشد.

کسان دیگری همانند آرام اسمیت، جان استورات میل و... تحول در جامعه بشری را بر مبنای تغییرات در عرضه و تقاضا یا بهتر گفته شود در نظام مالکیت و تصرف عوامل تولید و برخورد نیروهای مادی در جامعه و مسئله کار و موضوع بازده و بهره‌وری دانسته‌اند. خلاصه آن که اعتقاد به ترقی و تحول جوامع انسانی از قرن هفدهم زمینه‌هایی پیدا کرد و با رشد بورژوازی در اروپا رفته رفته در حلقه متفکران اجتماعی قبول عام یافت تا آنکه در سده نوزدهم پژوهشگران و دانشمندان کوشیدند شرایط حاکم بر جوامع غرب و مراحل تکامل اجتماع آن را به همه جوامع جهان تعمیم دهند. به ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم با انتشار نظریات داروین زمینه‌هایی

برای چنین اعتقادی فراهم آمد و شیوه تفکر "اثبات گرایانه" روح مسلط بر جامعه شده بود.

در اینجا بی مورد نیست که به نظر مادی گراها نیز اشاره شود. آنها معتقدند که با تغییر و تکامل نیروهای تولیدی تمامی ابعاد اجتماع نیز دگرگون و متحول می شوند. یعنی دگرگونی در نیروها و عوامل تولیدی منجر به تحول در شیوه تولید شده و بالطبع روابط پیشین جامعه نیز دستخوش تحول آن هم بنیادی قرار خواهد گرفت. به بیان دیگر ماتریالیسم مکانیکی در برابر ماتریالیسم دینامیکی قرار گرفته و این اختلافان در اصل علت است. زیرا ماتریالیسم مکانیکی علت را خارج از خودشی می داند. به طور خلاصه اینکه ماتریالیسم دینامیکی بر این باور است که علت تحول هر پدیده در خود آن پدیده نهفته است. یعنی علت تحول را داخلی می داند. در صورتی که ماتریالیسم مکانیکی معتقد است که علت تحول هر پدیده در خارج آن قرار دارد و ممکن است تحول به وسیله عوامل گوناگون صورت پذیرد.

اما آگاهان به مذاهب به ویژه اسلام بر این عقیده اند که تحول در درون یک جامعه از طریق افزایش دادن اعتقادات مردم به اصول تحول زائی این امکان پذیر است. بدین ترتیب به نظر می رسد اسلام ارتباط جبری بین تحول تولید و تحولات نظام اجتماعی را مردود می شناسد و انسان و جامعه انسانی را دارای جنبه های متمایزی می داند. به هر حال آن چیز که در طبیعت تغییرپذیر می باشد و رو به فنا و نیستی می رود ماده و پدیده است. نظامات و قوانین، هم نظام طبیعی و هم نظام اجتماعی که بر قاعده های طبیعت انطباق دارند از تحول برکنارند.

با توجه به تعاریف به عمل آمده از تحول و چگونگی مکانیزم آن از دیدگاه های ذکر شده به این نتیجه می رسیم که دگرگونی در هر پدیده های تابع اصل کلی عوامل داخلی (درون زا) و عوامل خارجی (برون زا) و پیوند و اثرات متقابل مابین آنهاست. در این میان هر کدام از دو عامل مزبور قوی تر باشد نقش مؤثرتری را در دگرگونی رشد و توسعه<sup>۴</sup> و یا رکود و نابودی آن پدیده ایفا می کنند.

با چنین نگاه کوتاهی به مطالب عنوان شده در فوق و تعمیم آن بر جامعه روستائی ایران در می یابیم که بیشتر روستاهای ما که دارای یک ساختار سنتی هماهنگ با شرایط و ویژگیهای محیط جغرافیائی خویش و کلیافت حاکم بر کشور بودند، از سالهای ۱۳۳۰ به ویژه بعد از سالهای ۱۳۴۰ مورد هجوم عوامل خارجی قرار گرفتند. هماهنگی ساختار سنتی با عوامل و شرایط زیست محیطی (جغرافیائی) را می توان به خوبی در نظامهای گوناگون آبیاری و شیوه های تولید گروهی یا تعاونیهای کهن (همچون بنه و غیره) و به طور کلی در بعضی از ویژگیهای نظام آبیاری رعیتی مشاهده نمود. این ساختارها و سازمان درونی سنتی از این زمان به بعد در برابر تحول عظیم نیروهای خارج از روستا و در ارتباط با ناتوانی در استفاده از نیروهای انسانی و منابع طبیعی، به ویژه داشتن مناسبات مبادلاتی مستمر ناسالم با حوزه های زیست دور و نزدیک - از جمله در زمینه

روابط شهر و روستا (با تکیه بر نظریه بویگ) - در وضعیت سترونی، فرسودگی و انحطاط و بالتبع به در شرایط وابستگی منفی به سر می برند<sup>۵</sup>. از این رو یکی از ابعاد مهم و وسیع در ایجاد دگرگونی جامعه روستائی همین رابطه نامعقول شهر و روستا می باشد. بدین جهت روستائیان نمی توانستند (و نمی توانند) در برابر حوزه های دیگر به منظور بارورتر کردن منابع طبیعی پیرامون منابع انسانی و نیروهای درونی خود احساس تعهد و مسئولیت داشته باشند و حتی در مواردی به منظور حفظ و بقا<sup>۶</sup> خویشتن دست به تخریب محیط طبیعی خود می زنند. از این رو مشخص می گردد که رشد و توسعه در جهت کمال مطلوب روستاهای ایران هنگامی امکان پذیر است که نیروهای خارج از روستا زمینه های مثبت تحول را به وجود آورند، زیرا عوامل درون زا دیگر قدرت مقابله با عوامل خارج را ندارند. در حالی که روستاها در معنی و مفهوم پویائی خود باید دارای ساختاری توانا و متحول و همچنین تولید مشروع متکی بر استفاده از منابع طبیعی و انسانی خود با سازماندهی درست درون زا و پویا باشند، تا بتوانند جریان تأمین نیازهای خود و روند داد و ستد و مبادله مستمر را با حوزه های زیست دور و نزدیک متعادل و متوازن نمایند. در این صورت که حوزه های زیست ما می توانند هویت اصلی و اصیل خویش را باز یابند.

پس از آن که دگرگونی اساسی در جهت رسیدن به کمال مطلوب در نیروهای خارج از روستا به ویژه در مناسبات شهر و روستا پدید آمد و به آن نظمی عقلانی داده شد آنگاه باید دید: اگر قرار باشد برای دستیابی به وضعی که غایت تحول (درون زا و خودجوش) روستا است

— چه اقداماتی می بایست صورت پذیرد؟

— مکانیزم تحقق آن چیست؟

— و چه ابعادی از روستا باید شناخته شود؟

تا حرکت پویا را ایجاد و دوام آن را تضمین کند.

به نظر می رسد این ابعاد عبارت باشند از:

— شناخت جغرافیائی روستا در حدی که بتوان از آن به عنوان

پایه ای برای طراحی روستا استفاده کرد و وجهات تحول زائی روستا را فراهم آورد.

— شناخت ابعاد فرهنگی - اعتقادی، مدیریتی و دریافت

مکانیزم حرکت درون زائی روستا و

— شناسائی توانائی و ناتوانی هر یک از این عناصر و چگونگی

توانمند کردن آنها در مسیر تحول و شناخت و غنی کردن و انتقال

آن به حاملین تحول زائی در ایجاد و جریان تحول.

— شناخت ساختار اجتماعی - اقتصادی سنتی و شکل دهی آن

هماهنگ با سیستم های جدید و عوامل برون متاثر بر آنها.

مجموعه<sup>۷</sup> چنین شناسائیهایی می تواند مبنای کار قرار گیرد و برای

دستیابی به این منظور باید در تأمین مقدمات زیر با مشارکت مردم

و به اتکا استعداد های آنان و ظرفیتهای منطقه به منظور رشد و

توسعه روستاها به صورتی هماهنگ با یکپارچه و متکی به خود به عمل آورد :

۱- یافتن روش پرورش استعداد های موجود برای حل مسائل ، طی کردن مسیر تحول در زمینه های : مسئله شناسی ، سازمان شناسی ، محیط شناسی ، شناخت تکنولوژی و بالاخره راه حل شناسی به وسیله خود روستایی که در آن خصلت برنامه ریزی و طراحی ، اجرا ، ارزیابی و پی گیری وجود داشته باشد .

۲- سازماندهی درونزا پویا باید در نقاطی که هنوز آثاری از درون زائی گذشته باقی مانده است تقویت و احیا گردد ، و در نقاطی که بر اثر مصرف زدگی و پوگ شدگی مردم از میان رفته است باید به کمک و همت آنها ایجاد گردد .

۳- سازماندهی درونزا و پویای روستا باید با بسیج نیروهای انسانی و منابع و مسائل طبیعی و انسانی درون و برون حوزه ها متناسب با نیازها ، تکنولوژی موجود و ظرفیت حوزه زیست شناسی گردد و سپس بر اساس آن برنامه استفاده و بهره وری از نیروها را در جهت منطقی طراحی کرد .

۴- و از همه مهمتر شناخت و بررسی نیروها و عوامل خارج از روستا و مکانیزم آنها که در جریان تخریب یافت و ساختار روستا دخیل بود مانده می باشد و تمهید جهت این نیروها به سوی دستیابی به تحول کمال مطلوب برونزا و درونزا .

انجام چنین کار عظیمی به ویژه در جهت شناخت روستاها که قدم اول هرگونه برنامه ریزی می باشد در چهارچوب دانش جغرافیای روستایی امکان پذیر است . زیرا جغرافیدان است که می تواند نیروها و عوامل شکل دهنده طبیعی و انسانی ، مناسبات ، اثرات متقابل مابین آنها و تباینات منطقه ای و ناحیه ای را با توجه به تفاوت های موجود مابین نیروهای طبیعی و انسانی ارزیابی نموده به مرحله کنون نگری و نهایتاً "آینده نگری با خصلت برنامه ریزی دست یابد . وجود بعضی از مطالعات و تکنکارها از روستا که به وسیله برخی از جغرافیدانان و با جامعه شناسان صورت پذیرفته است عمدتاً جنبه توصیفی داشته و بندرت از روش علمی که منتهی به یک برنامه ریزی گردد استفاده به عمل آمده است .

## یادداشتها

۱- در اینجا لازم است از دوست گرامی آقای مهندس حمید قندهاری و اندیشه های ایشان که سبب نگارش این مقاله شده است ، یاد نمایم .

۲- ذکر نام انسان و روابط او با محیط طبیعی به نظر نگارنده بی مورد است . زیرا مسئله گروه های انسانی و یا نهایتاً "جوامع

انسانی مطرح است و نه انسان .

۳- اقتصاد کشاورزی در برگیرنده فعالیت های زراعی ، جنگلداری ، دامداری و صیادی است . رساله به منابع شماره ( ۸ ) .

۴- توسعه فرایندی است که طی آن انسان ، در رابطه با شرایط و امکانات طبیعی محیط زیست خود ، به کمک یک نظام جامع اقتصادی - اجتماعی عادلانه بتواند به نسبت ارزش و بازده کارش نیازهای فردی و اجتماعی خود را برآورده سازد . بالطبع جامعه توسعه یافته آنچنان جامعه ای است که با استقرار نظام های عادلانه و مناسب با حیثیت انسانی ، امکان تأمین حداکثر نیازمندی های فردی و اجتماعی افراد خود را از راه تولید داخلی و مبادله تولید اضافه بر مصرف با فرآورده های مورد نیاز فراهم نماید .

۵- در طرح فولاد مبارکه در تعریف تحول اینگونه آمده است : " تحول به زعم ما عبارت از شناسائی و به حرکت درآوردن هماهنگ پدیده های طبیعی در یک منطقه به منظور بهبود بخشی فعالیت های تولیدی و زیستی در جهت ارتقاء رشد اقتصادی و اجتماعی و به طور خلاصه رفاه حاصل از تکاپوی خودجوش مردم منطقه است " .

۶- مفهوم تحول درونزا را نباید با خودکفائی یکی دانست ، هرچند که مفهوم خودکفائی نیز به معنای بستن دروازه های جغرافیائی جامعه و به همراه آن بستن دروازه های ذهنی افراد بر روی دنیای خارج نمی باشد تا بخواهیم از این راه بگوئیم تا قلمرو خود جامعه تمامی نیازمندیها را تأمین نماید به شیوه ای که آن جامعه هیچگونه نیازی به جوامع دیگر نداشته باشد و به تنهایی و استوار بر خود به زندگی در تمامی قلمروهای فعالیت فردی و اجتماعی ادامه دهد .

۷- چون پذیرفته ایم که خوانندگان از آن گروه اند که اشارتی آنها را کفایت می کند ، از شرح و بسط جریانهای تاریخی و علت های درونی و بیرونی و نظریه پرداری تسلط نظامها خودداری شده است .

۸- مفاهیم رشد و توسعه را از یکدیگر جدا نموده اند . رشد را یک مقوله اقتصادی می دانند و از اندازه گیری متغیرهای اقتصادی و سنجش آنها با نمونه های مطلوب جهانی به درجه رشد یک جامعه می رسند و نرخ آن را تعیین می کنند . اما توسعه را مقولای اجتماعی می دانند که به سازمان بخش و توزیع نظامهای عادلانه ، سازمانهای مردمی و به هر حال به برابری در فرصتها و بهره گیریها نظر دارد .

۹- باید توجه نمود که وابستگی با پیوستگی تفاوت دارد . هر چند که وابستگی را عمدتاً "مطروود می شمارند اما پیوستگی به حرکت پیش رونده و هرچه سریعتر شدن در جریان داخل شدن (نگراسیون) مطلوب خواهد بود . به هر حال سه پیوستگی اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی اصول مشترک میان روشهای توسعه را مشخص می کند .

- توسعه روستائی، راهروهای جایگزینی، مجموعه برنامه و توسعه ۱۲، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۵.
- ۱- میرحیدر، دره: جغرافیای کاربردی از دید جغرافیدانان ایران. سمینار بین المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران. مشهد مقدس ۱۳۶۴، در مجموعه مقالات سمینار جغرافی، شماره ۳، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آبان ۱۳۶۵، صص ۱۳۳-۱۲۱.
- ۲- برای مثال ر. ک به:
- ۳- باریز، ج: اقتصاد ایران (۱۳۴۹-۱۲۷۹) (۱۹۷۰-۱۹۰۰). مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، نشریه شماره ۵۳، چاپ اول مهرماه ۱۳۶۳.
- ۴- جمال زاده، محمدعلی: گنج شایان یا اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم. کتاب تهران از سلسله انتشارات اداره "کاو" تهران ۱۳۶۲.
- ۵- خسروی، خسرو: جامعه دهقانی در ایران. انتشارات پیام چاپ دوم ۱۳۵۸.
- ۶- عیسی، جانز: تاریخ اقتصادی ایران، قاجاریه ۱۳۳۲-۱۳۱۵ ه.ق. ترجمه: یعقوب آژند، پژوهشهای تاریخ، تاریخ ایران ۸ نشر گستره تهران ۱۳۶۲.
- ۷- لمبتون، ا.ک.س. مالک و زارع در ایران. ترجمه: منوچهر امیری. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۶۲.
- ۸- ر. ک به:
- ۹- باریز، ج: همان منبع ص ۱۹۰ و ۲۴۹.
- ۱۰- هالیدی، فرد: دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه: فضل الله نیکه آیین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۵۸، ص ۱۴۸.
- ۱۱- رزاقی، ابراهیم: اقتصاد ایران، تهران نشر نی ۱۳۶۷، صص ۳۰-۱۴.
- ۱۲- ر. ک به منابع شماره ۴ باریز ص ۲۴۹.
- ۱۳- ر. ک به:
- ۱۴- جوان، جعفر: جمعیت ایران و بستر جغرافیائی آن. انتشارات دانشگاه فردوسی (مشهد) شماره (۱۰) سال ۱۳۶۷، صص ۲۴۹ و ۱۶۵.
- ۱۵- نظری، علی اصغر: جغرافیای جمعیت ایران. سازمان جغرافیائی و کارتوگرافی گیتاشناسی. تهران، چاپ اول آذرماه ۱۳۶۸ شماره ۱۹۹.
- ۱۶- ر. ک به: تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره بررسیهای اقتصادی. صص ۳۸۹ - ۳۸۰.
- ۱۷- در مورد تعاریف ده و / یا روستا ر. ک به:
- ۱۸- از کیا، مصطفی: جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی

- ۱- در مفهوم و بیان چشم انداز جغرافیائی ر. ک به:
- ۲- سعیدی، عباس: چشم انداز قنات / چشم انداز چاه: یک بررسی تطبیقی. مجله رشد آموزش جغرافیا، سال چهارم شماره ۱۶ زمستان ۱۳۶۷ ص ۱۰.
- ۳- سلطانی، کامبیز: نگاهی اجمالی به آکولوژی چشم اندازهای طبیعی. مجله رشد آموزش جغرافیا، سال دوم شماره ۶ تابستان ۱۳۶۵، ص ۷-۸.
- ۴- شکویی، حسین: فلسف جغرافیا. مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹، صص ۵۳-۵۰.
- ۵- مؤسسی، مصطفی: دریایی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی دوره آغازین شهردوست آباد ملایر. فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره دوم، سال اول پائیز ۱۳۶۵، صص ۴۵-۱۱.
- ۶- "جغرافیای فرهنگی از شاخه های اصلی جغرافیاست، که از یکسو به بررسی روابط، اثرات و کنشهای متقابل انسان یا گروههای انسانی با چشم انداز طبیعی - زیستی، از نظر شکل دهی، شکل گیری و شونگی آن به چشم انداز فرهنگی می پردازد، از سوی دیگر پی آمدهای روابط او را با همین چشم انداز فرهنگی خود ساخته بیان می کند." ص ۱۲.
- ۷- "بدین ترتیب چشم انداز فرهنگی نتیجه کنشها و روابط متقابل دستجمعی انسان حامل فرهنگ و توانا بر تأثیرگذاری بر سرنوشت خویش، را نامیده است و در واقع او با نیروهای فرهنگی خود آفریننده چشم انداز فرهنگی از چشم انداز طبیعی - زیستی است که آن را تبدیل به فضای حیاتی می کند و خودش هم تحت تأثیر فضای خود آفرید تغییر می یابد." ص ۱۳.
- ۸- فشارکی، پریدخت: تعاریف و مفاهیم "چشم انداز" جغرافیائی. مجله رشد آموزش جغرافیا، سال سوم شماره ۹، بهار ۱۳۶۶، صص ۱۹-۱۲.
- ۹- در این زمینه می توان به نظریه پردازانی در دانش جغرافیا از گسانی چون فون تون، کریستالر، لوش، هاگت، تایلر و... اشاره نمود. ر. ک به:
- ۱۰- سعیدی، عباس: کاربرد جغرافیا یا جغرافیای کاربردی. فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره ۱ سال سوم، تابستان ۱۳۶۷، صص ۵۷-۴۵.
- ۱۱- شکویی، حسین: جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیائی. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. شماره ۸، مشهد، اردیبهشت ۱۳۶۴.
- ۱۲- فجر، عباس: (مترجم)، برنامه ریزی در سطح محلی و

روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران ۱۳۶۵، ص ۸۵

— اشرف، احمد: تداوم برخی از ویژگیهای تاریخی زندگی در ایران، مجله آرش، شماره ۶ شهریور ۱۳۶۰، ص ۱۴۵.

— جانسون، ج. ا. ج. جغرافیای شهری (تجزیه و تحلیل مقدماتی) ترجمه: گیتی اعتماد، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۲، ص ۹.

— خسروی، خسرو: جامعه‌شناسی روستای ایران، انتشارات پیام، چاپ سوم ۱۳۵۹.

— معاصی، فلاح‌حسین: دائرةالمعارف فارسی — جلد اول "ا-س"، مؤسسه انتشارات فرانکلین ۱۳۴۵، صص ۱۳۸۳-۱۳۸۱.

— مهین، محمد: فرهنگ فارسی (متوسط) — از د- کارنامه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۳.

— وثوقی، منصور: جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، چاپ دوم سال ۱۳۶۸، صص ۱۵-۱۱.

— ودیعی، کاظم: مقدمه بر روستاشناسی ایران، انتشارات دهخدا، چاپ دوم فروردین ۱۳۵۲، صص ۳۶-۲۲.

— فرهنگ آبادیهای کشور، مرکز آمار ایران — جلد هشتم چاپ اول ۱۳۴۸.

— گزارش سرشماری عمومی کشور — مرکز آمار ایران — جلد اول دی ماه ۱۳۴۹.

— فرهنگ آبادیهای کشور بر اساس سرشماری آبان ماه ۱۳۵۵، سازمان برنامه و بودجه — مرکز آمار ایران، جلد ۱۸، مبحث آبادی، — تعاریف و مفاهیم به‌کاررفته در آمارگیریهای مرکز آمار ایران — انتشارات مرکز آمار ایران — دفتر بررسی طرحها و محاسبات آماری مردادماه ۱۳۶۶، صص ۲۷۵-۲۷۲.

۹- ر. گ. به:

— شافر — فرانس، درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی، ترجمه عباس سعیدی، در مجله رشد آموزش جغرافیا، سال پنجم شماره ۱۸ تابستان ۱۳۶۸، صص ۸-۴.

۱۰- ر. گ. به.

— ضیاء، توانا، حسن: محله، بافت و ساختار آن در شهرهای شرق اسلامی (زیر چاپ).

۱۱- ر. گ. به:

— آسایش، حسین: راهنمای تحقیق در روستاهای ایران همراه با پرسشنامه‌ای برای مطالعات جغرافیائی و کشاورزی، مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز ۱۳۴۵.

— مطیعی لنگرود، سیدحسن: الگوی متدلوژیک در مطالعات روستایی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول و دوم سال نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۶۵، صص ۱۱۹-۱۲۱.

۱۲- ر. گ. به:

— ساعدلو، هوشنگ: مسائل کشاورزی ایران، انتشارات رواقی، چاپ دوم تهران ۱۳۵۷.

— سوداگر، م. بررسی اصطلاحات ارضی (۵۰-۱۳۴۰).

— مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، چاپ اول خردادماه ۱۳۵۸.

— ملک، حسین: گزارشی درباره نابسامانیهای کشاورزی مملکت و امکانات مقابله با آنها، انتشارات مرکز تحقیقات ایرانی، ۳۰ تیرماه ۱۳۵۷، مرکز نشر و پخش کتاب عصر نور.

۱۳- برای مثال ر. گ. به:

— گانت، امانوئل: سنجش خودناب، ترجمه: دکتر میرشمس‌الدین اریب سلطانی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

— منسکیو، روح القوانین، ترجمه: علی‌اکبر مشهدی، نگاه مطبوعاتی صلی‌علی‌شاه، تهران ۱۳۴۲.

— شگوشی، حسین: فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه آذربایجان، ۱۳۴، چاپ دوم، تیریز ۱۳۵۳.

— فرید، یداله: سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۲۴۲، چاپ دوم ۱۳۶۶، صص ۳۳-۲.

۱۴- ر. گ. به:

— میرحیدر، دره: نگرشی بر روند جغرافیای سیاسی، رشد آموزش جغرافیا، سال دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۶۶، صص ۱۶-۱۲.

۱۵- برای مثال ر. گ. به:

— نهبانندی، هوشنگ: تاریخ مختصر عقاید اقتصادی — از آغاز تا نیمه قرن بیستم — دانشگاه تهران — بدون تاریخ.

— گاتوزیان، محمدعلی: آرام اسمیتو "ثروت ملل"، شرکت سهامی کتابهای جیبی جامعه و اقتصاد — تهران ۱۳۵۸.

۱۶- ر. گ. به.

— بهزاد، محمود: داروینیسیم و تکامل، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ ششم ۱۳۵۲.

— فرهیخته، نورالدین: داروینیسیم و مذهب، نبرد اندیشهها و زیست‌شناسی، انتشارات کتابفروشی دهخدا، چاپ دوم ۱۳۵۱.

۱۷- مراجعه شود به.

— پوپر، گارل: فکر تاریخی، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول ۱۳۵۰.

— پوپر، گارل: جامعه‌پاز و دشمنان آن، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی چاپ اول، جلد اول ۱۳۶۴، جلد دوم ۱۳۶۵.

— گنفرت، موریس: ماتریالیسم دیالکتیک.

۱۸- ر. گ. به:

— صدر، محمدباقر: اقتصاد ما (با بررسیهایی درباره مکتب اقتصاد اسلامی)، ترجمه: محمدکاظم موسوی، انتشارات اسلامی "وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" بدون تاریخ.